



رسانه‌های محلی فلسطین از سندی تاریخی رونمایی کردند که ابعاد تازه‌ای از پیشینه ورزش در غزه را آشکار می‌کند؛ سندی که نشان می‌دهد ریشه ورزش فلسطین بسیار عمیق‌تر از عمر اشغال سرزمین فلسطین است. در حالی که ۷۷ سال از اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی می‌گذرد، سایت القدس روز جمعه تصویری از بلیت یک مسابقه فوتبال را منتشر کرد که قدمت آن به بیش از ۸۰ سال قبل بازمی‌گردد. این بلیت مربوط به دیداری در سال ۱۹۴۵ میان باشگاه غزه فلسطین و باشگاه الفیصلی اردن است؛ مسابقه‌ای که غزه را به عنوان میزبان یک رویداد رسمی فوتبال منطقه معرفی می‌کند. این سند تاریخی، روایت رایج اشغالگران درباره «نبود پیشینه اجتماعی و فرهنگی» در فلسطین را به چالش می‌کشد. بر اساس گزارش القدس، یکی از پروژه‌های مستمر رژیم صهیونی در دهه‌های گذشته، نابودی هویت ورزشی فلسطین از طریق تخریب زیرساخت‌ها، ویرانی استادیوم‌ها و مصادره زمین‌ها بوده است. نابودی ورزشگاه‌های تاریخی در غزه، تنها تخریب‌سازه نیست، بلکه تلاشی هدفمند برای پاک کردن حافظه جمعی و ریشه فرهنگی یک ملت محسوب می‌شود. این بلیت قدیمی، یادآور این واقعیت‌ست که ورزش فلسطین پیش از اشغال وجود داشته و بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ملی فلسطین به شمار می‌آید؛ هویتی که با وجود جنگ، محاصره و ویرانی، همچنان زنده است.



در فینال لیگ کشستی آزاد تیم بانک شهر با نتیجه ۴-۶ از سد استقلال جویبار گذشت و قهرمان لیگ برتر کشتی آزاد شد. در مرحله نیمه‌نهایی و فینال لیگ برتر کشتی آزاد صبح و عصر جمعه در سالن شهدای هفتم تیر تهران برگزار شد. استقلال جویبار با نتیجه ۷ بر ۳ از سد خیبر خرم‌آباد گذشت و راهی فینال شد. بانک شهر هم باید به مصاف تیم ستارگان پاس ساری می‌رفت اما به دلیل عدم حضور تیم ستارگان پاس ساری روی تشک، بدون انجام مسابقه، مستقیم راهی فینال لیگ کشتی آزاد شد. در فینال بانک شهر با هدایت رضا یزدانی با نتیجه ۶-۴ از سد استقلال جویبار گذشت و توانست عنوان قهرمانی این مسابقات را از آن خود کند. سال گذشته بانک شهر عنوان نایب‌قهرمانی را از آن خود کرده بود و امسال توانست با حضور کشتی‌گیران روس خود عباس حاجی‌ماگمدف، عبدالمجید کودیف و زاتوریک سیداکف بر سکوی قهرمانی بایستد. خیبر خرم‌آباد هم به دلیل انصراف ستارگان ساری عنوان سوم را به خود اختصاص داد. بانک شهر ۶ – استقلال جویبار ۴؛ اسامی کشتی‌گیران استقلال، ابتدا آمده است.

۵۷ کیلوگرم: محمد ادریسف ۵ – رضا اطری یک ۶۱ کیلوگرم: علی قللی‌زادگان صفر – عباس حاجی‌ماگمدف ۱۰ ۶۵ کیلوگرم: پیمان نعمتی ۴ – عبدالمجید کودیف ۶ ۷۰ کیلوگرم: محمد بخشی ۴ – ابراهیم الهی ۳ ۷۴ کیلوگرم: امیرحسین حسینی صفر – زاتوریک سیداکف ۹ ۷۹ کیلوگرم: عبدالله شیخ‌اعظمی ۳ – محمدنودی ۴ ۸۶ کیلوگرم: ابراهیم کادیف ۵ – عزت‌الله اکبری ۴ ۹۲ کیلوگرم: امیرحسین فیروزپور ۳ – محمدمبین عظیمی ۵

۹۷ کیلوگرم: حسن یزدانی ۴ – مجتبی گلیج صفر ۱۲۵ کیلوگرم: امیررضا صحرایی صفر – امیررضا معصومی ۷

بمب بزرگ در آستانه انفجار!
حامد حدادی ستاره بسکتبال ایران در آستانه پوشیدن پیراهن استقلال قرار دارد. به گزارش ورزش سه، در حالی که نگاهه به رقابت‌های حساس لیگ برتر بسکتبال دوخته شده، باشگاه استقلال در تدارک رونمایی از یکی از بزرگ‌ترین نقل و انتقالات تاریخ بسکتبال باشگاهی ایران است. حامد حدادی، سنتر خوش‌نام و تنها ایرانی تیم NBA، در یک‌قدیمی پوشیدن پیراهن استقلال قرار دارد. مذاکرات مثبت بوده و توافقات کلی بین طرفین حاصل شده‌است. به نظر می‌رسد تنها جزئیات باقی مانده که بزودی حل‌وفصل خواهد شد. کادر فنی استقلال با جدیت تمام در تلاش است پروسه اداری و صدور کارت بازی حدادی را پس از ثبت قرارداد با سرعت پیش ببرد. هدف اصلی آبی‌پوشان، استفاده از تجربه و قامت بلند حدادی در دیدار حیاتی و مهم مقابل شهرداری گرگان است؛ دیداری که کارشناسان از آن به عنوان فینال لیگ یاد می‌کنند و حضور حدادی در ترکیب استقلال، می‌تواند کفه ترازو را به نفع آبی‌ها سنگین کند. حضور کاپیتان سابق تیم ملی که سابقه درخشش در لیگ چین و آمریکا را دارد، نه‌تنها وزن فنی استقلال را بالا می‌برد، بلکه شور و هیجان تازه‌ای را به سکوهای بسکتبال تریق خواهد کرد. حالا همه منتظر عکس یادگاری حامد حدادی با پیراهن آبی هستند؛ اتفاقی که بزودی تیتُر یک رسانه‌های می‌شود.

رقابت فشرده چندمدعی برای قهرمانی نیم‌فصل

جنگ برای نصف جام

■ استقلال؛ راه سخت اما نه غیرممکن
استقلال اما در آن سوی معادله، مسیری بسیار دشوارتر از سپاهان دارد. آبی‌های پایتخت هم یک بازی کمتر دارند و در صورتی که هر ۳ حریف آینده خود را شکست دهند، بر سکوی نخست نیم‌فصل می‌ایستند اما مشکل اینجاست که ۳ حریف آینده‌شان آسان نیستند.

گام نخست در خرم‌آباد است؛ جایی که پیش‌تر پرسپولیس و تراکتور قربانی زمین سخت و جو متفاوتش شدند. خیبر در خانه خود تبدیل به تیمی خطرناک شده و استقلال اگر لغزشی مشابه رقبای داشته باشد، عملاً از رقابت نیم‌فصل خارج می‌شود. پس از آن، آبی‌ها باید گل‌گهر را پشت سر بگذارند؛ تیمی که همیشه برای استقلال دردرسار بوده است و در نهایت، جدال مستقیم با سپاهان در نقش جهان، آخرین فرصت برای سبقت از مدعی اصلی.

سایپنتو می‌داند تیمش باید بدون خطا برود؛ ۳ برد، حداقل ۳۰ امتیاز و بعد حساب‌وکتاب رودررو برای عبور از سپاهان. مسیر استقلال به‌مراتب پرسنگلاخ‌تر از سپاهان است اما تیم‌هایی پوده‌اند که از چنین مسیرهایی عبور کرده‌اند؛ پس شاید در پایان دورفت، استقلال پاداش صبوری و شنگندگی‌اش را بگیرد.

■ پرسپولیس؛ کمین‌ترین‌جنگ‌دانش را بگیرد.
پرسپولیس در حال حاضر نه صدرنشین است و نه موقعیت استقلال و سپاهان را دارد اما یک امتیاز مهم دارد: مسابقات نه چندان سخت. پرسپولیس ۲ بازی باقیمانده دارد؛ آلومینیوم و مس رفسنجان. در صورتی که هر دورا ببرد، ۲۸ امتیازی می‌شود و جایگاه دومی را تضمین می‌کند. مشکل پرسپولیس این است که برای قهرمانی نیم‌فصل، فقط کافی نیست بازی‌های خودش را ببرد، بلکه مجبور است چشم به اشتباه ۲ رقیب مستقیم داشته باشد. یک تساوی سپاهان و یک لغزش استقلال، می‌تواند پرسپولیس را به صدر برساند اما چنین سناریویی نیاز به هم‌زمانی چند اتفاق دارد. با این حال، فرم رو به رشد تیم آوسمار و بازگشت چند مهره کلیدی، نشان می‌دهد اگر

لیگ برتر امسال آنقدر پرفراز و نشیب بوده که حتی پایان هفته سیزدهم هم نتوانسته تصویر روشنی از قهرمان نیم‌فصل ارائه کند. هر چه پیش‌تر می‌رویم، معادلات پیچیده‌تر می‌شود و

کوچک‌ترین لغزش، می‌تواند تیمی را از اوج به میانه جدول پرتاب کند. در میان این آشوب جذاب، تنها یک واقعیت ثابت وجود دارد: سرنوشت نیم‌فصل بیشتر از هر تیمی در اختیار سپاهان و استقلال است؛ ۲ قدرتی که اگر دست‌های‌شان نلرزد، می‌توانند بر باقی رقبای سایه بیندازند اما فوتبال ایران نشان داده هیچ فصلی طبق برنامه پیش نمی‌رود و مدعیان خاموش، درست در لحظه‌ای که تصورش نمی‌رود، ورق را برمی‌گردانند.

■ سپاهان؛ تیمی که آرام‌آرام قوی شد
زردپوشان اصفهانی لیگ را بد شروع کردند؛ فصل برای‌شان با اشتباه، ناکامی و شکست آغاز شد اما محرم نویدکیا آرامش خاصی در کار دارد؛ نه فریب بردهای پرشمار را می‌خورد، نه از شکست‌های غیرمنتظره می‌ترسد. نتیجه صبر، بازگشت تدریجی سپاهان به جایگاهی است که هوادارانش سال‌هاست در همان حوالی تیم‌شان را دیده‌اند. حالا سپاهان با یک بازی کمتر، صدر را در دست گرفته و در صورت عبور از ۳ بازی آینده، می‌تواند نیم‌فصل را با بیش از ۳۰ امتیاز به پایان ببرد. مسیر سپاهان ۳ مانع دارد: فولاد، چادرملو و استقلال. ۲ بازی نخست برای تیم نویدکیا قابل کنترل است اما قفل اصلی مقابل استقلال شکل می‌گیرد. کافی است سپاهان در آن دیدار نیازد تا عنوان غیررسمی قهرمان نیم‌فصل را در جیبش بگذارد. از آن سو، فرم خوب این هفته‌های سپاهان و هماهنگی دوساره خطوط تیم، امید را برای هوادارانش دوچندان کرده است. آنها می‌دانند یک مساوی در بازی پایانی برابر استقلال نیز مأموریت‌شان را کامل خواهد کرد.

ماجرای از یک جمله کوتاه شروع شد اما سایه آن می‌تواند تا تابستان و جام‌جهانی کش بیاید؛ جایی که فوتبال قرار است «جهانی» باشد اما دروازه ورود، هنوز زیر قفل سیاست مانده است. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در گفت‌وگو با یک رسانه آن کشور، درباره احتمال صادر نشدن ویزا برای ملی‌پوشان ایران نه وعده روشن داد و نه تکذیب قاطع کرد؛ همان مدل پاسخ که هم راه را باز می‌گذارد، هم راه را می‌بندد.

گزارش سایت ساکر وایر (وابسته به USA Today) روی یک تناقض دستم می‌گذارد: از یک سو، فیفا با زبان همیشگی خود از «استقبال از همه هواداران و تیم‌ها» حرف می‌زند و جام‌جهانی ۲۰۲۶ را جشن فراگیر معرفی می‌کند؛ از سوی دیگر،

بازگشت حسن یزدانی به تشک یک تصمیم راسخ بود؛ تصمیمی آرام، دقیق و بدون شتاب. مردی که سال‌هاست نباش می‌تواند، افتخار و مدال گره خورده، این‌بار هم بدون شعار، مسیر را آغاز کرد؛ در وزنی سنگین‌تر، با بدنی ترمیم‌شده و ذهنی آماده‌تر از همیشه

آنچه بیش از هر چیز در نخستین نمایش یزدانی در وزن جدید جلب توجه کرد، آرامش او بود. نه عجله‌ای در حمله دیده می‌شد و نه نشانی از تردید در دفاع. انگار پادشاه ایرانی پیش از آنکه با روی تشک بگذارد، همه چیز را در ذهنش مرور کرده بود؛ برای همین هم در جدال با حریفان، خبری از آزمون و خطا نبود. هر حرکت، حساب داشت و هر امتیاز، حاصل صبر بود. پس از تجربه سنگین المپیک پاریس و جراحی کتف، بسیاری نگران بودند این بازگشت زودهنگام باشد. سابقه تغییر وزن در کارنامه یزدانی هم نگرانی‌ها را تشدید می‌کرد. خاطره تلخ سال‌هایی که عبور از یک وزن به وزن دیگر، هزینه سنگینی برایش داشت، هنوز از ذهن علاقه‌مندان پاک نشده بود اما این‌بار، شرایط فرق می‌کرد؛ نه فقط از نظر فیزیکی، بلکه از نظر بلوغ فنی و شناخت بدن.

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر

بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان

بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد

اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک

شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر

پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان

دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

رقابت فشرده چندمدعی برای قهرمانی نیم‌فصل

جنگ برای نصف جام

■ استقلال؛ راه سخت اما نه غیرممکن
استقلال اما در آن سوی معادله، مسیری بسیار دشوارتر از سپاهان دارد. آبی‌های پایتخت هم یک بازی کمتر دارند و در صورتی که هر ۳ حریف آینده خود را شکست دهند، بر سکوی نخست نیم‌فصل می‌ایستند اما مشکل اینجاست که ۳ حریف آینده‌شان آسان نیستند.

گام نخست در خرم‌آباد است؛ جایی که پیش‌تر پرسپولیس و تراکتور قربانی زمین سخت و جو متفاوتش شدند. خیبر در خانه خود تبدیل به تیمی خطرناک شده و استقلال اگر لغزشی مشابه رقبای داشته باشد، عملاً از رقابت نیم‌فصل خارج می‌شود. پس از آن، آبی‌ها باید گل‌گهر را پشت سر بگذارند؛ تیمی که همیشه برای استقلال دردرسار بوده است و در نهایت، جدال مستقیم با سپاهان در نقش جهان، آخرین فرصت برای سبقت از مدعی اصلی.

سایپنتو می‌داند تیمش باید بدون خطا برود؛ ۳ برد، حداقل ۳۰ امتیاز و بعد حساب‌وکتاب رودررو برای عبور از سپاهان. مسیر استقلال به‌مراتب پرسنگلاخ‌تر از سپاهان است اما تیم‌هایی پوده‌اند که از چنین مسیرهایی عبور کرده‌اند؛ پس شاید در پایان دورفت، استقلال پاداش صبوری و شنگندگی‌اش را بگیرد.

■ پرسپولیس؛ کمین‌ترین‌جنگ‌دانش را بگیرد.
پرسپولیس در حال حاضر نه صدرنشین است و نه موقعیت استقلال و سپاهان را دارد اما یک امتیاز مهم دارد: مسابقات نه چندان سخت. پرسپولیس ۲ بازی باقیمانده دارد؛ آلومینیوم و مس رفسنجان. در صورتی که هر دورا ببرد، ۲۸ امتیازی می‌شود و جایگاه دومی را تضمین می‌کند. مشکل پرسپولیس این است که برای قهرمانی نیم‌فصل، فقط کافی نیست بازی‌های خودش را ببرد، بلکه مجبور است چشم به اشتباه ۲ رقیب مستقیم داشته باشد. یک تساوی سپاهان و یک لغزش استقلال، می‌تواند پرسپولیس را به صدر برساند اما چنین سناریویی نیاز به هم‌زمانی چند اتفاق دارد. با این حال، فرم رو به رشد تیم آوسمار و بازگشت چند مهره کلیدی، نشان می‌دهد اگر

ماجرای از یک جمله کوتاه شروع شد اما سایه آن می‌تواند تا تابستان و جام‌جهانی کش بیاید؛ جایی که فوتبال قرار است «جهانی» باشد اما دروازه ورود، هنوز زیر قفل سیاست مانده است. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در گفت‌وگو با یک رسانه آن کشور، درباره احتمال صادر نشدن ویزا برای ملی‌پوشان ایران نه وعده روشن داد و نه تکذیب قاطع کرد؛ همان مدل پاسخ که هم راه را باز می‌گذارد، هم راه را می‌بندد.

گزارش سایت ساکر وایر (وابسته به USA Today) روی یک تناقض دستم می‌گذارد: از یک سو، فیفا با زبان همیشگی خود از «استقبال از همه هواداران و تیم‌ها» حرف می‌زند و جام‌جهانی ۲۰۲۶ را جشن فراگیر معرفی می‌کند؛ از سوی دیگر،

بازگشت حسن یزدانی به تشک یک تصمیم راسخ بود؛ تصمیمی آرام، دقیق و بدون شتاب. مردی که سال‌هاست نباش می‌تواند، افتخار و مدال گره خورده، این‌بار هم بدون شعار، مسیر را آغاز کرد؛ در وزنی سنگین‌تر، با بدنی ترمیم‌شده و ذهنی آماده‌تر از همیشه

آنچه بیش از هر چیز در نخستین نمایش یزدانی در وزن جدید جلب توجه کرد، آرامش او بود. نه عجله‌ای در حمله دیده می‌شد و نه نشانی از تردید در دفاع. انگار پادشاه ایرانی پیش از آنکه با روی تشک بگذارد، همه چیز را در ذهنش مرور کرده بود؛ برای همین هم در جدال با حریفان، خبری از آزمون و خطا نبود. هر حرکت، حساب داشت و هر امتیاز، حاصل صبر بود. پس از تجربه سنگین المپیک پاریس و جراحی کتف، بسیاری نگران بودند این بازگشت زودهنگام باشد. سابقه تغییر وزن در کارنامه یزدانی هم نگرانی‌ها را تشدید می‌کرد. خاطره تلخ سال‌هایی که عبور از یک وزن به وزن دیگر، هزینه سنگینی برایش داشت، هنوز از ذهن علاقه‌مندان پاک نشده بود اما این‌بار، شرایط فرق می‌کرد؛ نه فقط از نظر فیزیکی، بلکه از نظر بلوغ فنی و شناخت بدن.

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیزان بود؛ مهاجمی که قرار بود سرمایه‌گذاری بزرگ باشگاه باشد اما عملاً به چهره‌ای تبدیل شده که هوادار با هر نزدیک شدن او به محوطه جریمه مضطرب می‌شود.

نیمه اول، استقلال موقعیتی طلایی داشت تا ۲ پر صفر پیش بيفتد؛ فرصتی که اگر گل می‌شد، احتمالاً ملوان دیگر توان بازگشت به بازی را پیدا نمی‌کرد اما سحرخیزان

استقلال در هفته‌ای که باید زخم داری را می‌بست، دوساره در قالب تیمی ظاهر شد که همه چیز دارد جز یک تمام‌کننده قابل‌اعتماد. برابر ملوان، آبی‌ها همان تیم پر تحرک همیشگی بودند؛ تیمی که توپ را می‌چرخاند، می‌دوید، فشار می‌آورد اما وقتی به ضربه آخر می‌رسید، انگار خاطره تلخ ماه‌ها گل ن‌زدن مهاجمان دوباره زنده می‌شد. استقلال نیمه نخست با ضربه آشورماف جلو افتاد اما نیمه دوم آن برتری فنی با گل تساوی ملوان بی‌اثر شد تا بار دیگر سؤال سنگین بر پیشانی هواداران بنشیند؛ چرا این تیم با وجود این همه فرصت، هنوز بدون مهاجم واقعی می‌جنگد؟

با نگاهی به آمار بازی، استقلال از هر نظر برتر بود؛ مالکیت بیشتر، موقعیت‌های بهتر، تعداد پاس‌های موثر بالاتر اما فوتبال، ورزش عده‌های بی‌روح نیست؛ ورزش ضربه آخر است و درست همین جا، مثل همیشه، استقلال

لنگید. پررنگ‌ترین نام این ضغ با هم سعید سحرخیز